

## کاربست قرآن و عقل در باب هدف نهایی زندگی از دیدگاه حکمت متعالیه

\* ایوب مبشری

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۸

\*\* محمدرضا ضمیری

تاریخ پذیرش: ۹۸/۹/۹

\*\*\* محمدصادق جمشیدی راد

\*\*\*\* حسن مهدی فر

### چکیده

شناخت هدف و خواسته نهایی در زندگی، اهمیت فراوانی در معنا و سبک زندگی دارد. برای شناخت بهترین هدف نهایی برای زندگی می‌توان از استدلال‌های عقلی، قرآن و شهود استفاده نمود. روش تحقیق، توصیفی-تحلیلی در منابع کتابخانه‌ای بود که یکی از برهان‌های عقلی را بررسی نمودیم که صبغه روان‌شناختی داشت و از گزاره‌های قرآنی به عنوان تکمیل و تایید بهره‌مند شدیم؛ بدین صورت که با توجه به مبانی فلسفی صدر/بدین نتیجه رسیدیم که جهان غایتمند بوده و خدای تعالی هم مبدأ المبادی است و هم غایت الغایات؛ اگر هدف(هدف‌های) نهایی ما در(از) زندگی، قرب الهی و معرفت عمیق خدا نباشد و تنها خواسته‌های مادی باشد، خواه ناخواه در زندگی دنیوی حداقل با سه مشکل اساسی احساس ناکامی و محرومیت، احساس عدم امنیت و احساس دلزدگی روبه‌رو خواهیم شد؛ پس باید خواسته‌ای داشته باشیم که در دسترس، پایدار و فناپذیر و نامحدود باشد.

**کلیدواژگان:** هدف نهایی زندگی، قرآن، عقل، ملاصدرا.

mobasheri@iausarv.ac.ir

zamiri.mr@gmail.com

Dr.gh.jamshidi@gmail.com

Hm.ajamloo@yahoo.com

\* عضو هیأت علمی(مریی)، واحد سروستان، دانشگاه آزاد اسلامی، ایران.

\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور واحد قم، دانشیار دانشگاه پیام نور.

\*\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور واحد تهران جنوب.

\*\*\*\* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور واحد نقده.

نویسنده مسئول: ایوب مبشری

## مقدمه

آنچنان که آشکار است کمبود معنویت و آرامش، تنزل فرهنگی، اخلاقی و ارزش‌های انسانی از چالش‌های جهانی است و متأسفانه ما نیز به گونه‌ای با این مشکل‌ها روبه‌رو هستیم. یافتن بهترین هدف برای زندگی از مبانی یک فرهنگ مطلوب است و اهمیت فراوانی در سبک زندگی و معنای زندگی دارد. پس از شناخت هدف زندگی، می‌بایست وارد مرحله برنامه‌ریزی دقیق و بلند مدت با ارائه راهکارهای مناسب در راستای آن هدف شد.

چه بسا که بارها پاسخ «چیستی غایت و هدف زندگی» را شنیده یا خوانده‌ایم اما به طور کامل قانع نشده‌ایم و در فرهنگ و زندگی‌مان تغییر زیادی به وجود نیامده و در این زمینه احساس خلأ و کمبود می‌نمائیم و تشنه پاسخی هستیم که برای‌مان قابل فهم و درک و در دسترس باشد؛ نه اینکه تنها یک سلسله دانش‌های ذهنی و انتزاعی به دست آوریم. برای شناخت بهترین هدف نهایی می‌توان از استدلال‌های عقلی، وحی و شهود استفاده نمود؛ صدر المتألهین از کثرت روش (عقلی و نقلی و شهودی) در نظام فلسفی خویش استفاده نموده. او معتقد است که انسان با توجه به نحوه خلقت و اختیارش مستعد آن است که آینه‌ای باشد که اسماء و صفات خدای تعالی را جلوه دهد و خلیفه خدا در زمین گردد (صدر، ۱۴۱۹ق: ۲).

در این مقاله هماهنگی و کاربست قرآن و عقل در باب هدف زندگی از دیدگاه حکمت متعالیه مورد بررسی قرار می‌گیرد. روش تحقیق روش مطالعه کتابخانه‌ای و توصیفی-تحلیلی می‌باشد. این مقاله در نوع خود کم نظیر بوده و از نوآوری زیادی برخوردار است زیرا با رویکردی جدید و کاربردی با موضوع هدف زندگی به بررسی در آثار صدر می‌پردازد و بر هماهنگی منابع معرفتی (عقل و نقل و درون بینی) تأکید دارد و حاوی واژه‌سازی نگارنده متناسب با تحقیق است.

## پیشینه بحث

تا کنون پژوهش‌های گوناگونی درباره غایت‌مندی آفرینش و هدف زندگی انجام شده است که دو مورد ذکر می‌گردد:

۱- مقاله «هدف‌داری آفرینش از منظر قرآن کریم و حکمت متعالیه» (فارسی نژاد، ۱۳۹۵، عقل و دین، ۱۵: صص ۹۱-۱۲۰)؛ نویسنده در این مقاله به این نتیجه رسیده است که از دیدگاه قرآن کریم و حکمت متعالیه، آفرینش کاملاً غایت‌مند است؛ علت غایی آفرینش جهان، انسان، و علت غایی آفرینش انسان، ذات خداوند است؛ غایت و هدف فعلی مخلوقات و افعال الهی نیز همان ذات خداوند است، پس به طور کلی می‌توان گفت علت غایی و غایت افعال الهی، ذات بی‌همتای اوست. بنابراین، دیدگاه حکمت متعالیه در زمینه غایت‌مندی افعال الهی با قرآن کریم هماهنگ بوده و هیچ‌گونه تعارض و حتی اختلافی در این زمینه وجود ندارد.

۲- مقاله «مفهوم حکیم و تأثیر آن در زندگی با بهره‌گیری از آیات و روایات» که توسط خانم نسرين اشتیاقی راد نوشته شده (فصلنامه مطالعات قرآنی، شماره ۳۷، بهار ۱۳۹۸: صص ۲۲۹-۲۵۳) که نتیجه می‌گیرند: انسان می‌تواند در پرتو علم و عمل، ریاضت و مجاهدت در راه پاکسازی و طی مراحل کمال، به مقام عالی حکمت برسد؛ انسان حکیم هدف و کاربرد زندگی و نعمت‌های الهی را می‌داند و هر چیزی را در جای خود به کار می‌گیرد. البته پیشینه‌ای با این عنوان و روش برای این مقاله یافت نشد.

### مفهوم شناسی

برای رسیدن به پاسخ پرسش‌ها نیاز به بسترسازی با استفاده از مفهوم شناسی است.

#### ۱. غایت (هدف)

دهخدا/ غایت را اینگونه معنی کرده: پایان، نهایت، مقصود، غرض، فایده، نفع، و... (دهخدا، ۱۳۷۳: ۱۴۶۱۹). میل و محبت به هدف را در فلسفه اسلامی علت غائی می‌نامند. مرحوم سبزواری در تعلیقه بر اسفار تعریفی آورده‌اند که هر دو قسم غایت فعلی و فاعلی را شامل می‌شود: حقیقت غایت همان کمالی است که فعل به آن منتهی می‌شود یا فاعل آن را می‌خواهد و به همین خاطر فعل از او صادر می‌شود (صدرا، ۱۴۱۹ق: ۱۹۴/۲).

در مورد انسان می‌توان غایت (هدف) را با عبارات گوناگون ملاحظه کرد:

- گاهی انسان را به عنوان فعل و صنع خدا ملاحظه می‌کنیم که در این صورت منظور، هدف خدا از آفرینش انسان است. غایت در این صورت مقوله‌ای وجودشناختی (تکوینی) است. در این تحقیق هر جا واژه غایت را به کار بردیم منظور همین معنا (لحاظ) است.

- گاهی انسان را به عنوان یک فاعل مختار در نظر می‌گیریم که در این صورت منظور، هدف انسان در زندگی خویش است. هدف در این صورت مقوله‌ای ارزش شناختی است (مثلاً هدف انسان در زندگی باید کمال باشد). در این تحقیق هر جا واژه هدف را به کار بردیم منظور همین معنا (لحاظ) است.

از آنجا که انسان مخلوق خداست و اراده‌اش در طول اراده خداست، در این تحقیق می‌بایست هر دو جنبه را مورد لحاظ قرار داد.

### هدف (نهایی) زندگی

به عقیده صدر<sup>۱</sup> «کل فاعل مختار فله فی فعله غرض و غایة» (صدر، ۱۳۱۳: ۳۰۳). از آنجا که هر ممکن الوجودی ذاتاً ناقص و در نتیجه طالب کمال است، هر کاری را که انجام می‌دهد برای این است که نقص خود را برطرف کند؛ بنابراین تصور نقص و طلب کمال، او را به انجام فعل وامی‌دارد. بعضی خواسته‌های ما واسطه (وسیله) برای رسیدن به اهداف دیگر است اما بعضی خواسته‌ها را فی نفسه می‌خواهیم به آن‌ها اهداف نهایی (غایات بالذات) گوئیم و قهراً سعادت و آرامش خویش را در آن‌ها می‌دانیم و وصول به آن‌ها آرزوهای ما را تشکیل می‌دهند پس باید (از حیث ارزش شناختی) در زندگی هدف نهایی داشته باشیم (ع ۱).

### منابع معرفتی حکمت متعالیه (عقل، نقل و شهود)

در هر دانش (آگاهی، معرفت) سه عامل دخالت دارد: منبع، راه و ابزار. معرفت شناسان بالغ برده منبع [و ابزار] برای معرفت ارائه کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارت‌اند از عقل شهودی، عقل استدلالی، مرجعیت وحی، شهود و درون بینی (فعالی، ۱۳۷۹: ۱۳۹). با این

منابع به آن پرسش پاسخی داده شده است. در بین فیلسوفان مسلمان، شاید بتوان گفت صدرای شیرازی از کثرت روش در نظام فلسفی خویش استفاده نموده و از منابع گوناگون بهره برده زیرا عناصر معرفتی در حکمت متعالیه عبارت‌اند از برهان، عرفان و قرآن.

### ۱. قرآن (وحی)

بی شک وحی برای پیامبر (ص) معرفت‌زاست و در دریافت، نگهداری و ابلاغ آن معصوم می‌باشد که در حکمت متعالیه به عنوان دلیل و ابزار مستقل در نظر گرفته می‌شود، حتی عرفان و برهان مقیدهایی هستند که در مطلق (قرآن) موجودند (جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۶).

انسان هنوز موجود ناشناخته‌ای است و از جهت روحی (روانی) و حتی جسمی بسیار پیچیده است، پس قرآن از جهت معرفت‌زایی نقش زیادی خواهد داشت.

قرآن از بهترین منابع معرفت است که ابزار آن عقل و دل بوده و راه استفاده از آن: خواندن، تدبّر در آیات رجوع به مفسّر (سنت) و تهذیب می‌باشد و از آن دانش‌های حصولی و حضوری به دست خواهیم آورد. هرچه که برای خوشبختی و انسان‌سازی لازم است، در قرآن هست. اما همه آن دانش‌ها در آن به شکل نصّ و ظاهر نیست بلکه بسیاری نیز پنهان (در بطن) و متشابه‌اند که نیاز به تفسیر و تأویل دارند؛ از دیدگاه صدرای قرآن از سوی خدا تا عالم شهادت نازل شده، ذو بطون بوده و هر کس بر اساس معرفت و درجه وجودی خویش می‌تواند از قرآن بهره ببرد و آگاهی یابد.

امامان (ع)، مطهر، عالم و راسخ در علم‌اند پس مفسر، مبین و عامل به قرآن هستند؛ اسرار و معارف را جز اهل طهارت (که حجاب و تاریکی ندارند) نمی‌فهمند؛ آنچنان که خدای تعالی فرمود: ﴿لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ﴾ (واقعۀ ۷۹/ صدرای، ۱۴۱۹ق: ۲۹۶/۶)؛ ایشان گنج‌های اسرار وحی، معدن‌های علوم (حکمت و برهان)، یاوران دین، راهنمایان راه خدا، بندگان محبوب‌اش و اهل ذکرند. ﴿فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ (نحل / ۴۳) (صدرای، ۱۳۶۶ب: ۱۶۶/۱). پس احادیث معصومین به عنوان مبین و مفسر قرآن‌اند که در مجموع، نقل محسوب می‌شوند.

## ۲. برهان

از نظر صدر/ علم یا حضوری است یا حصولی؛ او علم حصولی را به نظری و بدیهی و بدیهی را از جهات گوناگون (اولی و ثانوی، نظری و عملی، تصویری و تصدیقی) تقسیم کرده؛ مثل بدیهیات اولیه و ثانویه (صدر/ ۱۴۱۹ق، ج ۳: ۴۰۱-۴۰۲-۴۴۳-۵۱۸). تصدیقات، حاصل دو نوع کارکرد منبعی و ابزاری عقل است که صدر/ آن دو کارکرد را برای عقل می‌پذیرد و معتقد است که تصدیقات در دو بستر نظر و عمل یافت می‌شوند. مبادی عقل نظری، بدیهیات است که فطری عقل نظری هستند (همان، ج ۲: ۳۲۲ و ج ۹: ۸۳).

توانایی درک مفاهیم پیچیده، کلی‌سازی، تجزیه و تحلیل نیز از کاردهای عقل ابزاری فطری است همانگونه که مبادی عقل عملی، فطری عقل هستند پس مبادی عقل نظری و عملی از بدیهیات هستند (۲ع).

برهان روشی است که فیلسوفان از آن استفاده می‌نمایند و از راه‌ها و استدلال‌های عقلی می‌باشد که مقدمات آن از جهت ماده، جزء یقینیات (بدیهیات) بوده و یا باید با واسطه‌هایی به یقینیات برسند و از جهت صورت نیز باید قواعد قیاس در آن رعایت شود تا نتیجه‌اش نیز بالضرورة یقینی باشد. صدر/ این منبع معرفتی را برای هدایت بشر و وصول او به کمال نهایی و حقایق عرفانی کافی نمی‌داند (همان، ج ۶: ۱۳۶).

## ۳. عرفان (شهود)

شهود راه عرفاست. منبع این نوع معرفت را می‌توان عالم‌های ملکوت، جبروت و لاهوت به حساب آورد.

ابزاری که می‌تواند از این منبع بهره‌مند گردد، دل (قلب) است. راه آن، تزکیه و تهذیب، بندگی در چهارچوب دین و پرورش سرشت الهی خویش است (همان، ج ۵: ۱۲۹ و ج ۸: ۱۵۷ و ج ۹: ۱۲۳ و ج ۳: ۴۰۳).

در مقاله حاضر به خاطر گستردگی مطالب و بررسی دقیق هماهنگی، تنها برهان و قرآن (عقل و نقل) در مسأله هدف زندگی بررسی می‌شوند.

### چگونگی کاربست و هماهنگی عقل و وحی در حکمت متعالیه

در این مقاله کاربست به معنی چگونگی بکارگیری است صدر/ نسبت به دانش‌های چون کلام، فلسفه، عرفان، تفسیر و علم حدیث، به اصطلاح فراجناحی عمل کرده است. به این معنی که از منظری بین رشته‌ای به جستار حقیقت برخاسته است. کسی می‌تواند روی آورد بین رشته‌ای را اخذ کند که حقیقت را ذو مراتب بداند به گونه‌ای که هر روی آوردی، سطحی از آن را مکشوف می‌سازد. ملاصدر/ حقیقت را ذو مراتب و دانش بشر را در رسیدن به مراتب مختلف آن، دارای سطوح مختلف می‌داند. روی آورد برهانی جای را بر روی آورد شهودی تنگ نمی‌کند و رهیافت کلامی مانع از رهیافت تفسیری نیست. آنچه در نهایت به دست می‌دهد وحدت تجربه‌های گوناگون به تنوع طولی است. صدر/ در عصر خویش علامه ذوفنون و جامع بود پس به خوبی می‌توانست مطالعه بین رشته‌ای داشته باشد(احد فرامرز قراملکی، ۱۳۸۰: ۳۴۸).

از سوی دیگر شرط کافی در مطالعه میان رشته‌ای وجود «روش منطقی» در بارور ساختن اطلاعات مختلف است و در واقع آرای مختلف را به طریقی پویا در تصرف و ترکیب می‌گیرد که در این میان به دیدگاهی ژرف‌تر برسد، پس می‌توان گفت هماهنگی و انسجام لازمه روش منطقی بارور سازی اطلاعات و تصرف و ترکیب آنهاست. پس می‌توان گفت ابزارها و منابع معرفتی در حکمت متعالیه با هم هماهنگی داشته و به نحوی نتیجه و معرفت واحدی را ارائه می‌دهند.

از نظر آیت/... جوادی آملی، حکمت متعالیه کمال خود را در جمع بین ادله یاد شده جست‌وجو می‌کند، و هر کدام را در عین لزوم و استقلال با یکدیگر می‌طلبد و با اطمینان به هماهنگی و جزم به عدم اختلاف همه آنها را گرد هم می‌بیند و در مقام سنجش درونی اصالت را از قرآن می‌داند و آن دو(عرفان و برهان) را در محور وحی، غیر قابل انفکاک مشاهده می‌کند(جوادی آملی، ۱۳۷۵: ۱۶).

### هماهنگی عقل و قرآن

در این مقاله هماهنگی با انسجام، انتظام و توافق مترادف است و اعم از مطابقت می‌باشد که به دو گونه قابل تصور است: به شکل کلی و جزئی.

## ۱. هماهنگی به شکل کلی

این نوع هماهنگی در صورتی قابل تصور است که هر کدام از منابع قرآن و برهان (عقل و نقل) در موضوع به صورت کلی در نظر گرفته شوند، آنگاه هماهنگی بر آن‌ها حمل شود. مانند قرآن و برهان هماهنگ هستند (عقل و نقل هماهنگ هستند)؛ آنچنان که صدر/ گوید: «هنگامی که میان برهان‌های عقلی و دیدگاه‌های نقلی مطابقت را یافتیم» (صدر، بی تا: ۲). «شرع عقل ظاهر است و عقل شرع باطن» (همو، ۱۳۶۶ الف: ۱۲۴/۷)، و «انسان با کمک علوم حقیقی و براهین، پوینده راه کمال و عرفان و رو کننده به سوی کعبه علم و ایمان می‌گردد» (همو، بی تا: ۳).

به عقیده صدر المتالهین در امر بهره برداری و استفاده از آن عناصر نیز هماهنگی و هم‌سویی وجود دارد. او می‌گوید:

«همانا در این احادیث به صدف‌های علمی در دریای حکمت و عرفان برخورد نمودم در حالی که پر از جواهر درخشان حقایق ایمان بودند و مرواریدهای معانی قرآن در آن‌ها مخفی بود که با پایه‌های قوانین برهان آمیخته شده بودند و مدتی در اسرار معانی آنها تأمل می‌نمودم در حالی که در دریاها می‌مانی‌شان فرو می‌رفتم و با قوه فکر و برهان، مرواریدها را خارج می‌نمودم» (همو، ۱۳۶۶ ب: ۱/ ۱۶۸).

لازم به یادآوری است که پژوهش‌هایی که درباره هماهنگی عقل و نقل در حکمت متعالیه انجام شده غالباً هماهنگی را به طور کلی بررسی نموده‌اند اما در این تحقیق از جهت جزئیات و مصادیق، بیش‌تر بررسی شده است.

## ۲. هماهنگی به شکل جزئی

در این قسم، به جزئیات و مصادیق منابع (گزاره‌های حاصله از عقل و نقل) پرداخته می‌شود و هماهنگی آن اطلاعات را بررسی می‌نمائیم؛ یعنی درباره هدف نهایی زندگی، دانش‌هایی را که از هر کدام از منابع به دست می‌آید به عنوان یک گروه در نظر می‌گیریم و برای هر کدام از گزاره‌ها علامت اختصاری (عقل: ع، نقل: ن) مشخص نموده و چگونگی هماهنگی و انسجام آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.



برای بررسی چگونگی کاربست عقل و نقل و همچنین بررسی دقیق و همه جانبه هماهنگی آن‌ها در مسأله هدف زندگی، هماهنگی را به مؤلفه‌های زیر تجزیه نمودیم:

- هم‌معنایی یا تطابق یا تأیید داده یک منبع (مثلاً نقل) نسبت به داده دیگر آن منبع را که با علامت [سازگاری در...] نشان می‌دهیم؛ مثلاً [سازگاری در نقل].
- توضیح، تفصیل، مصداق‌یابی یا اثبات کردن داده یک منبع (مثلاً نقل) نسبت به داده دیگر که آن را با [روشنگری] نشان می‌دهیم.
- هم‌معنایی یا تطابق یا سازگاری میان داده دو منبع (عقل و نقل) را با علامت [همسویی عقل و نقل] نشان می‌دهیم.
- استفاده یک منبع از داده منبع دیگر که آن را با علامت [همورزی عاریتی] نشان می‌دهیم.
- راهنمایی و حواله دادن یک منبع به منبع دیگر که آن را با علامت [رهنمایی...] نشان می‌دهیم؛ مثلاً [رهنمایی عقل به نقل]
- استفاده حکیم از داده‌های منابع گوناگون به شکل استدلال تلفیقی، که آن را با علامت [همورزی تلفیقی] نشان می‌دهیم (مراد ما از همورزی، تعامل و همکاری می‌باشد).
- راهنمایی داده یک منبع به سوی شناخت غایت که آن را با علامت [رهنمایی به غایت] نشان می‌دهیم؛ مثلاً [رهنمایی عقل به غایت].
- راهنمایی داده یک منبع به سوی شناخت هدف زندگی، که آن را با علامت [رهنمایی به هدف] نشان می‌دهیم.

توجه به این نکته ضروری است که مدعی حصر عقلی در این حالت‌ها نیستیم بلکه این تقسیم، نوآوری و پیشنهاد نگارنده بوده و هدف از آن سهولت در پژوهش، تحلیل و نتیجه‌گیری است.

خواهیم دید که این منابع از چنان هماهنگی و انسجامی برخوردارند که در هیچ نظام معرفتی یافت نمی‌شود و علاوه بر اینکه پاسخ قانع‌کننده علت‌گائی و هدف زندگی را خواهیم یافت، تا حدودی به اعجاز قرآن و روایات پی برده و بر ایمان و آرامشمان افزوده خواهد شد.

## چگونگی کاربست و هماهنگی عقل و قرآن در مسأله هدف‌نهایی زندگی

اکنون داده‌های حاصل از عقل و نقل در باب هدف‌زندگی را جمع‌آوری نموده و ضمناً چگونگی کاربست و هماهنگی آن دو را مورد بررسی و تحلیل قرار می‌دهیم.

### ۱. غایت و هدف‌زندگی از دیدگاه عقل (روش برهانی)

انسان دارای اراده و اختیار است و در کارهایش اهدافی دارد پس می‌توان گفت که در زندگی از جهت ارزش‌شناختی چه هدفی را باید داشته باشد؛ مثلاً باید حرکت اختیاری در صراط توحید و ایمان داشته باشد. اما از سوی دیگر جهان معلول و مخلوق خدای حکیم و مختار است و عالم از جهت تکوینی (وجودشناختی) غایت‌مند است و انسان نیز به عنوان جزئی از جهان در نظام تکوین قرار گرفته و به عنوان فعل خدا، غایت‌مند (دارای علت غایی) و در صراط وجود، حرکت جوهری دارد؛ به عبارت دیگر خدا از آفرینش انسان هدف (غایت) داشته (صدر، ۱۳۶۶ الف، ج ۱: ۱۱۱ و ۱۱۵ و ۱۲۳). پس نباید بحث یافتن بهترین هدف برای زندگی از سوی انسان را از بحث غایت خدا از آفرینش انسان جدا کرد. البته خواهیم فهمید که باید هدف‌زندگی را در راستای علت غایی (آفرینش انسان) قرار داد [همسویی و هماهنگی غایت و هدف].

### غایت‌مندی آفرینش انسان (غایت‌زندگی از جهت وجودشناختی و تکوینی)

با توجه به براهین عقلی، خداوند وجود دارد حتی شاید بتوان گفت وجود خدا بدیهی عقلی است (مصباح یزدی، ۱۳۷۲: ۳۵۸).

به عقیده صدر با براهین عقلی ثابت می‌شود که وجود اصیل است (صدر، ۱۴۱۹، ج ۱: ۶۵ و ۱۰۱) و هرچه نام وجود بر آن حمل شود، هفت نام دیگر نیز بر آن حمل می‌گردد که عبارت‌اند از: حی، علیم، مرید، قدیر، سمیع، بصیر و متکلم. وجود مساوق با صفات کمالی است که مراتب آن صفات، در هر موجودی از حیث مرتبه وجودی‌اش تحقق دارند (صدر، ۱۴۱۹، ج ۲: ۲۳۵؛ ج ۶: ۱۳۶؛ ج ۹: ۲۵۷). خدا وجود دارد و واحد است (همان، ج ۶: ۱۳۸ و ۲۴۸) و خدا واجب‌الوجود من جمیع الجهات و خیر محض است و هیچ شری در او نیست است لذا همه صفات و اسماء کمالی را بالفعل داراست (همان، ج ۵: ۲۰۰). علم و

حکمت هر دو از صفات کمالی مطلق وجود است. خدای تعالی علیمی است که منافع، مصالح و خوبی‌های امور را می‌داند و حکیمی است که هر کاری را به خاطر حکمت و غایتی انجام می‌دهد. علم خدا به طور فعلی و قطعی و مطلق و دایمی است و زوال و تغیر ندارد (صدر، ۱۳۶۶ الف، ج ۲: ۳۵۸ و ۳۵۹). خدای تعالی از جهات کمالش در بالاترین بالاها وجود دارد و در پایین‌ترین مراتب نیز هست و به هر کس از هر کس نزدیک‌تر است زیرا او عظمت داشته و نامتناهی است رحمتش گسترده و نور نافذش شدید است (همان، ج ۵: ۱۹۱). جود، رحمت و فضل خدای تعالی به اشکال گوناگونی محقق و ظاهر می‌گردد (همان).

پس در اینجا فهرست گزاره‌های حاصل از عقل عبارت‌اند از:

وجود اصیل و مساوق با صفات کمالی است (ع ۳).

خداوند موجود (بلکه عین وجود مطلق) است (ع ۴).

خدا واحد است (ع ۵).

خدا واجب الوجود من جمیع الجهات است (ع ۶).

خدا دارای همه اسماء و صفات کمالی است و خیر محض است (ع ۷). [سازگاری ع ۷ و ع ۶].

خدا دارای حیات ذاتی و حقیقی است (ع ۸).

خدا دانای مطلق است (ع ۹).

خدا حکیم است (ع ۱۰).

خدا توانای مطلق است (ع ۱۱).

خدا بی نیاز است (ع ۱۲).

خدا جاودانه (پایدار) است (ع ۱۳).

خدا نامحدود است (ع ۱۴).

خدا آفریننده و پرورش دهنده است (ع ۱۵).

خدا دارای رحمت رحمانی و رحیمی (بسیار مهربان و بخشنده و رازق) است (ع ۱۶).

خدا حاضر و ناظر و نزدیک به انسان‌ها است (ع ۱۷). [روشنگری ع ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰ و ۱۱

و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ از ع ۷].

او بر اساس اصول و مقدمات عقلی (مثل بدیهیات نظری، اصالت وجود، تشکیک در وجود و تحلیل دقیق حرکت)، برای غایتمندی جهان استدلال می‌آورد که به دو نمونه را می‌آوریم:

**استدلال برای غایت بودن ذات و اجب تعالی برای فعل او:** خدا واجب الوجود من جمیع الجهات بوده و هر کمال و حسنی در خدا هست. ادراک کمال باعث لذت و عشق به صاحب کمال است (ع ۱۸). خدا نیز مدرک خویش است پس خدا عاشق خویش است. عشق، ذاتی خداست (صدرا، ۱۴۱۹، ج ۷: ۱۵۰-۱۵۱). پس خداوند در افعال خویش داعی و غرض و غایت دارد و این‌ها زائد بر ذات او نیستند بلکه عین ذات خدا هستند (ع ۱۹) [رهنمایی ع ۱۹ به غایت].

**استدلال بر اینکه غایت موجودات، خداست:** جهان مادی، فعل خدا بوده و غایت‌مند و دارای حرکت جوهری است (ع ۲۰) و از آنجا که غایت‌مندی لازمه حرکت جوهری است؛ نهایت حرکت جوهری خداست پس غایت بعید و غایه الغایات جهان مادی خداست (ع ۲۱) [رهنمایی ع ۲۱ به غایت] (صدرا، ۱۳۱۳: ۲۵۴)؛ به عبارت عام‌تر، خداوند خیر محض است. هرچه خیر محض باشد، همه اشیاء از روی طبع یا اراده او را طلب می‌نمایند (صدرا، ۱۴۱۹، ج ۵: ۲۰۰). اشیاء طوری از واجب تعالی صادر می‌شوند که فطرتاً، عشق ملازم با آن‌هاست که آن عشق مقتضی حفظ کمال‌های اولیه اشیاء و شوق بدست آوردن کمالات ثانویه مفقود می‌باشد (ع ۲۲) تا از این طریق، در حد امکان به مبدأ خویش تشبّه یابند (همان، ج ۲: ۲۷۹؛ ج ۲: ۲۷۷) پس خدا غایت الغایات موجودات است (ع ۲۳) (همان، ج ۲: ۳۲۲) (همان: ۱۳۰) [رهنمایی ع ۲۳ به غایت]. سازگاری ع ۱۹ با ع ۲۱ و ع ۲۳. همورزی تلفیقی].

در جهان بینی او وجود از پایین‌ترین مراتب آغاز می‌شود و به سوی بالاترین مراتب حرکت می‌کند تا اینکه به تدریج به نهایت (غایت) آنچه از آن هبوط کرد، صعود می‌کند؛ پس وجود مانند دایره‌ای است که به دور خود می‌گردد و آخرش به اولش متصل می‌شود (همان، ج ۸: ۱۳۱-۱۳۲). به تعبیر دیگر غایت همان معاد است (همان، ج ۹: ۱۹۸). البته صدر/ غایت عالم را انسان کامل می‌داند که غایت انسان کامل، خداست (صدرا، ۱۳۶۶ الف، ج ۱: ۱۰۲).

**استدلال تلفیقی بر چیستی کمال و سعادت انسان:** از نظر صدر/ وجود، اصیل بوده و مساوق با صفات کمالی است. سرور و بهجت تابع مشاهده (ادراک وجود) است. کمال و سعادت، ادراک حقیقت وجود است (ع ۲۴) و چون که وجود مراتب دارد پس سعادت‌ها نیز مراتب دارند (صدر، ۱۴۱۹، ج ۹: ۱۲۲-۱۲۹-۱۳۰)؛ مشاهده وجود ملازم توسعه وجودی است. پس به طور کلی هرچه وجود کامل‌تر و تمام‌تر باشد و خلوصش از عدم بیش‌تر باشد، سعادت در او زیادتر است؛ از سوی دیگر چونکه خدا عین وجود است و پس کمال انسان ادراک (معرفت شهودی) خداست (ع ۲۵) [روشنگری ع ۲۴ از ع ۲۵] و با شناخت و ادراک خدا، مساوقات وجود (اسماء خدا) نیز در انسان تجلی می‌یابد و خلیفه خدا می‌گردد (ع ۲۶) و چون معلول شأن علت است هیچ وجودی جز وجود خدا را برای خود و دیگر موجودات نمی‌بیند؛ وحدت وجود را ادراک می‌کند (ع ۲۷) (صدر، ۱۴۱۹، ج ۹: ۳۷۶؛ ج ۲: ۲۹۲) [رهنمایی ع ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ به غایت و سازگاری آن‌ها با هم، همورزی تلفیقی].

### **بهترین هدف نهایی در زندگی (هدف زندگی از جهت ارزش شناختی)**

در اینجا دو برهان عقلی ارائه می‌گردد:

**برهان مستقیم:** با توجه به مقدمات عقل نظری و عقل عملی (که درباره غایت و علت غایی گفته شد) می‌توان گفت که انسان استعداد کمال را دارد (ع ۲۸)؛ کمال خوب است و فی نفسه ارزش است و باید (از حیث اخلاقی) کامل شد (ع ۲۹) پس هدف نهایی باید کمال باشد (ع ۳۰). از سوی دیگر دانستیم که کمال انسان، ادراک وجود یا همان معرفت خداست. پس نتیجه اینکه باید شناخت خدا را به عنوان هدف نهایی زندگی قرار داد (ع ۳۱) [رهنمایی ع ۳۰ و ۳۱ به هدف].

**برهان خلف:** به خاطر نوآوری و کاربردی‌تر شدن تحقیق، دلیل دیگری می‌آوریم که به جنبه‌های روان‌شناختی (درون بینی) انسان هم توجه دارد؛ به عبارت دیگر یک استدلال تلفیقی است.

اگر هدف (هدف‌های) نهایی ما در (از) زندگی، قرب الهی و معرفت خدا (اهداف متعالی) نباشد اهداف دنیوی خواهد بود که اهداف دنیوی (ع ۳۲) عبارت‌اند از:

- لذات جسمانی، حسی و وهمی مانند لذت خوراکی‌ها، لذت خواب، لذت جنسی، لذت زیبایی ظاهری، لذت توانایی و قدرت بدنی...
  - ثروت و رفاه (افزایش پول و سرمایه...)
  - پست، سلطه بر دیگران، قدرت اجتماعی، پیروزی بر دشمن و انتقام از او
  - شهرت، وجهه و منزلت اجتماعی [روشنگری این چهار مورد به ع ۳۲]
- در این صورت علاوه بر اینکه زندگی معنوی (اخروی) ما تأمین نمی‌شود (ن ۳۱)، در زندگی بیرونی (مادی) نیز حداقل با سه مشکل اساسی روبه‌رو خواهیم بود (ع ۳۳) که عبارت‌اند از:
- الف- احساس ناکامی و محرومیت [روشنگری به ع ۳۳]: این خواسته‌ها از جهت تعداد، مقدار و کیفیت بسیار زیاد و گسترده هستند لذا شخص نخواهد توانست آن‌ها را به دست آورد زیرا زندگی مادی به خاطر محدودیت و نقصش، گنجایش آن‌ها را نخواهد داشت و انسان نمی‌تواند آنگونه که بخواهد بدان‌ها دست یابد. مثلاً یک شخص نمی‌تواند همه ثروت‌ها یا قدرت‌ها یا شهرت‌ها را با هم داشته باشد. به عقیده صدر/ انسان هرچه که به لذات دنیوی دست یابد باز هم قانع نمی‌شود بلکه تقاضا و شوق بالاترش را دارد؛ اما کدام لذت دنیوی است که بالاترش لذتی نباشد (صدر، ۱۳۶۶ الف، ج ۷: ۳۹۶) [همورزی تلفیقی].
- ب- احساس عدم امنیت [روشنگری از ع ۳۳]: در صورت بدست آوردن خواسته‌های دنیوی، نگران از دست دادن آن‌ها خواهیم بود زیرا هیچ تضمین قابل اطمینانی نیست که برای ما باقی و پایدار باشند؛ و نگران کننده‌تر از آن اینکه زندگی مادی‌مان نیز گذراست و روزی پایان می‌یابد. از سوی دیگر انسان فطرتاً گرایش به جاودانگی و آرامش دارد (ع ۱۸) مثلاً شخصی را در نظر بگیرید که به فرض به تمام آن خواسته دنیایش رسیده اما پیوسته نگران است که نکند عاملی خواسته‌اش را از او بگیرد یا رقیبی پیدا شود؛ از همه بگذریم مرگ، لحظه جدایی او و خواسته‌اش است [همورزی تلفیقی].
- از دید صدر/ نظام‌های وهمی و اهداف جزئی با نابودی دنیا از بین می‌روند (همان) و ناراحتی جدایی و رنج‌های پی در پی در آن‌ها وجود دارد (همان، ج ۷: ۳۹۵).
- ج- احساس دلزدگی [روشنگری از ع ۳۳]: انسان فطرتاً موجودی نوجوست و حرص شدیدی دارد پس به هر کدام از خواسته‌های دنیوی که برسد، ارضایش نمی‌کند و پس از

مدتی برایش کهنه شده و از آن دلزده می‌شود و به نظرش کوچک و ناچیز می‌آید، لذا در پی بیش‌تر و جدیدتر از آن خواهد بود.

علاوه بر این‌ها، پیامدهای ناگوار دیگری نیز دارند:

- کسب بیش‌تر این خواسته‌ها، کمالی برای‌مان به حساب نمی‌آیند و به سعادت‌مان افزوده نمی‌شود و به گونه‌ای حیوانی هستند اما انسان فطرتاً کمالجو است (۱۸ع) [همورزی تلفیقی].

- میل و آرزوهای بیهوده ایجاد شده و شخص کوتاه بین می‌گردد.

- زندگی معنوی و اخروی تأمین نشده و از این جهت نیز زیان خواهد کرد (همان: ۳۹۶).

پس اهداف دنیوی مفید نبوده و آسیب‌زا است و باید هدف نهایی دیگری انتخاب نمود؛ اگر انسان، خواسته‌ای داشته باشد که دارای سه ویژگی زیر باشد، دیگر با آن مسائل روبه‌رو نخواهد شد:

- خواسته در دسترس باشد و انسان چنان حیاتی داشته باشد که گنجایش آن خواسته را داشته باشد. در این صورت احساس ناکامی و محرومیت بی‌معنی خواهد بود.

- خواسته و زندگی، پایدار و فناپذیر باشند در این صورت احساس عدم امنیت نخواهیم کرد.

- خواسته نامحدود باشد. در این صورت کهنه نخواهد شد و همیشه به نوعی برای ما تازگی دارد و از آن دلزده نمی‌شویم.

اهداف و خواسته‌های ارائه شده توسط عقل (کمال حقیقی یا همان معرفت و محبت به خدا و رحمت خدا و همچنین نقل که در بخش‌های بعدی نیز خواهد آمد)، این ویژگی‌ها را دارند (۳۴ع)؛ پس باید آن‌ها را به عنوان هدف نهایی برگزینیم (۳۵ع) [رهنمایی ۳۵ع به هدف. سازگاری ۳۱ع با ۳۵ع. همورزی تلفیقی در کل استدلال].

صدر/ معتقد است که باید به دنبال چیزهایی باشیم که فی‌نفسه مطلوب و مفیدند (مثل نظر به وجه خدا، سعادت لقائش و خلاصه سعادت آخرت) و یا اینکه به چیز مفیدی منجر شوند (مثل سلامتی) (همان، ج ۱: ۱۲۷). از دید صدر/ سعادت همان لذتِ درک و مشاهده وجود است (صدر، ۱۴۱۹، ج ۹: ۱۲۲) و از آنجا که مصداق وجود حد

ندارد پس ادراک وجود جز با شهود و علم حضوری امکان ندارد (ع۳۶) (همان، ج ۱: ۴۱۲-۴۱۲)؛ پس باید خواسته‌های بالذات ما، سعادت ابدی باشد و آن خواسته‌های متوسط (اهداف دنیوی) را دنبال کنیم که منجر به همین خواسته بالذات شوند؛ یعنی دنیا را برای رسیدن به آخرت بخواهیم (ع۳۷) [رهنمایی ع ۳۷ به هدف]. از سوی دیگر عقل حکم می‌کند باید از منعم تشکر و از خدا و رسولانش پیروی کرد (ع۳۸)، در پی فضایل بود و ظلم و ناسپاسی قبیح است

بدین ترتیب روشن شد که عقل ما را به سمت دین راهنمایی کرد [رهنمایی عقل به قرآن]؛ ضمناً یک دلیل عقلی بر ضرورت دین گفته شد. [همورزی عاریتی نقل از عقل]

## ۲. یافتن بهترین هدف برای زندگی از دیدگاه نقل (قرآن و احادیث)

گفته شد که انسان، حتی با رسیدن به اهداف دنیائی مشکلاتی (مانند احساس محرومیت، عدم امنیت و دلزدگی) برایش ایجاد می‌گردد اما با توجه به قرآن و سنت خواهیم دید که رسیدن به اهداف الهی اینچنین نیست؛ زیرا خدای تعالی بی‌نیاز، بی‌نهایت، بسیار بخشنده، مهربان و به ما نزدیک می‌باشد. بهشت و نعمت‌های معنوی‌اش نیز در دسترس، پایدار و نامحدودند؛ علاوه بر این‌ها، کسانی که معرفت خدا را به دست آورده‌اند ویژگی‌های فوق العاده و خاص به خود را دارند. این موارد را با رجوع به آثار صدر/ بررسی می‌نماییم. پیش از بررسی هدف زندگی از دیدگاه نقل، لازم است که مقدماً، رهنمایی نقل به عقل و ویژگی‌های خداوند را از دیدگاه نقل بررسی شوند.

### سفارش به تعقل

خدای تعالی در آیات متعددی از قرآن، انسان‌ها را به تفکر، تعقل و تدبیر فرا می‌خواند (ن ۱):

- ﴿كَذَلِكَ يبينُ اللهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (بقره / ۲۱۹)؛ ﴿قَدْ يبينُ اللهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (حدید / ۱۷)؛ ﴿أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (قصص / ۶۰ و آل عمران / ۱۹۰) و... (بقره / ۱۶۴). [رهنمایی نقل ۱ به عقل] و [همورزی عاریتی ن ۱ از ع ۲] و [سازگاری درونی آیات مذکور]



### بررسی اسماء و صفات خدای تعالی

همانطور که عقل درباره صفات خدا، اطلاعاتی را به ما ارائه می‌دهد، دین نیز به طور تفصیلی از صفات خدا سخن می‌گوید؛ گزاره‌های حاصل از قرآن و سنت را در اینجا مطرح می‌نماییم [همسویی نقل و عقل].

با توجه به قرآن و روایات، خداوند وجود دارد (ن ۲)؛ خدای تعالی می‌فرماید: ﴿قالت رسلهم أفي الله شك فاطر السموات والأرض﴾ (ابراهیم/ ۱۰)؛ آنچنان که برهان‌های عقلی مثل علیت وجود خدا را اثبات می‌کند [همسویی ن ۲ و ع ۴].

با توجه به نقل، خدای تعالی دارای اسماء حسنی و صفات کمالی است (ن ۳)؛ ﴿فلله الأسماء الحسنى﴾ (اعراف/ ۱۸۰)؛ ﴿هو الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب والشهادة هو الرحمن الرحيم﴾ هو الله الذي لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون ﴿هو الله الخالق البارئ المصور له الأسماء الحسنى يسبح له ما في السموات والأرض وهو العزيز الحكيم﴾ (حشر/ ۲۲- ۲۴)؛ آنچنان که عقلاً واجب الوجود، واجب من جميع جهاته [همسویی ن ۳ و ع ۷].

در ادامه آیاتی از قرآن و روایات را خواهیم آورد و بررسی می‌کنیم که چگونه آیات کلی (مثل اعراف/ ۱۸۰) را تبیین می‌نمایند [روشنگری نقل] و همچنین قاعده عقلی «واجب الوجود بذاته واجب من جميع جهاته» را به گونه‌ای توضیح می‌دهند [روشنگری ن ۵ و ۸ و ۹ تا ع ۱۷ از ع ۶] و این آیات با یکدیگر سازگاری دارند:

- خدا حی مطلق و حقیقی است (ن ۴). ﴿الحی القيوم﴾ (بقره/ ۲۵۵) [همسویی ن ۴ و ع ۸]
- خدا واحد است (ن ۵). ﴿الله لا اله الا﴾ (بقره/ ۲۵۵) [همسویی ن ۵ و ع ۵]
- خدا بسیار دانا (ن ۶) و حکیم (ن ۷) است؛ ﴿انك أنت العليم الحكيم﴾ (بقره/ ۳۲ و ۲۸۲)
- خدا توانای مطلق است (ن ۸)؛ ﴿ان الله على كل شيء قدير﴾ (بقره/ ۲۰ و ۱۰۶) [همسویی ن ۸ و ع ۱۱] و [روشنگری درونی نقل] و [سازگاری درونی نقل]
- خدا بی‌نیاز است (ن ۹)؛ ﴿واعلموا ان الله غني حميد﴾ (بقره/ ۲۶۷ و ۲۶۳) [همسویی ن ۹ و ع ۱۲] و [روشنگری درونی نقل] و [سازگاری درونی نقل]
- خداوند همیشه است (ن ۱۰). ﴿وتوكل على الحی الذي لا يموت﴾ (فرقان/ ۵۸) [همسویی ن ۱۰ و ع ۱۳. سازگارین ۴ و ن ۱۰]

- خدا نامحدود است (ن ۱۱). ﴿وسع کرسیه السموات والأرض﴾ (بقره/۲۵۵) [همسویی ن ۱۱ و ع ۱۴]

- خدا بسیار مهربان و بخشنده است (ن ۱۲)؛ ﴿وربک الغفور ذو الرحمة﴾ (کهف/۵۸) (حدید/۹ و بقره/۲۳۵)؛ ﴿وانت أرحم الراحمین﴾ (اعراف/۱۵۱). در روایت است که آخرین کسی که شفاعت می کند ارحم الراحمین است (صدرا، ۱۴۱۹ق: ۹/۳۵۳) [همسویی ن ۱۲ و ع ۱۶]

- خدا حاضر و ناظر و نزدیک است (ن ۱۳). ﴿والله سمیع علیم قریب مجیب﴾ [همسویی ن ۱۳ و ع ۱۷] [روشنگری درونی نقل] و [سازگاری درونی نقل]

- خدا آفریننده و پرورش دهنده است (ن ۱۴)؛ ﴿هو الله الخالق﴾ (حشر/۲۴). ﴿ذلکم الله ربکم لا اله الا هو خالق کل شیء فاعبدوه وهو علی کل شیء وکیل﴾ (انعام/۱۰۲). [همسویی ن ۱۴ و ع ۱۵] [روشنگری درونی ن ۴ تا ن ۱۴ از ن ۳] و [سازگاری درونی ن ۳ تا ن ۱۴ باهم] [روشنگری ن ۴ تا ن ۱۴ از ع ۶ و ع ۷]

### غایت‌مندی آفرینش انسان و یافتن هدف زندگی

۱. از دید قرآن جهان غایت‌مند است؛ آفرینش، بیهوده و باطل نیست (ن ۱۵) و موجودات عالم به سوی خدای تعالی بازگشت می‌نمایند. ﴿وما خلقنا السموات والأرض وما بینهما الا عبین﴾ (دخان/۳۸)؛ ﴿ما خلقناهما الا بالحق﴾ (دخان/۳۹). [سازگاری اندوایه] و [همسویی ن ۱۵ و ع ۲۰].

۲. از دید قرآن غایت جهان خداست (ن ۱۶) و موجودات عالم به سوی خدای تعالی بازگشت می‌نمایند. صدر/ در آثار خویش (صدرا، ۱۴۱۹ق: ۳/۱۱۰-۱۱۲؛ ۱۳۶۶ الف: ۱/۱۱۱؛ همان: ۷/۳۶۷-۴۲۰) آیاتی از قرآن را در مورد حرکت جوهری آورده است (ن ۱۷): ﴿کل ایناراجعون﴾ (انبیاء/۹۳) و ﴿بل هم فی لبس من خلق جدید﴾ (ق/۱۵) بلکه ایشان از آفرینش جدید شک و شبهه دارند. ﴿الا الی الله تصیر الامور﴾ (شوری/۵۳). شوق و گرایش به خدا در نهاد همه موجودات هست (ن ۱۸). ﴿وان من شیء الا یسبح بحمده﴾ [ارهنمایی ن ۱۶ به غایت] و [همسویی ن ۱۶ و ع ۲۱ و ع ۲۳] و [همسویی ن ۱۷ و ع ۲۰] [سازگاری درونی ن ۱۶ و ۱۷ و ۱۸].

۳. آفرینش جهان مادی برای بهره‌وری انسان و مسخر انسان‌اند(ن ۱۹)؛ ﴿وَسَخَّرْنَا لَكُمْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَمِيعًا مَنَّهُ...﴾ (جاثیه/۱۳) و ﴿وَسَخَّرْنَا لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرْنَا لَكُمْ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ﴾ (ابراهیم/۳۳ و ۳۲) [سازگاری اندو آیه].

۴. آفرینش انسان و زندگی او بیهوده و رها نیست و انسان باید هدف داشته باشد(ن ۲۰). ﴿أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ يُتْرَكَ سُدًى﴾ (قیامت/ ۳۶) همچنین *امیرالمؤمنین علی(ع)* فرمود: «خدا رحمت کند شخصی را که بداند از کجا آمده است و در کجا آمده است و به سوی کجا می‌رود» (سید رضی، بی تا: خطبه ۱۵۳) [همسویی ن ۲۰ و ۱] و [سازگاری روایت و آیه].

۵. در باب غایت آفرینش انسان و یافتن هدفی برای زندگی در قرآن چهار دسته آیات را می‌بینیم [این آیات، آیات مربوط به اصل داشتن هدف و غایت را تبیین می‌نمایند پس می‌توان گفت روشنگری درونی دارند و با هم سازگارند؛

الف. بعضی آیات غایت آفرینش انسان را بندگی و عبادت دانسته(ن ۲۱) و اظهار می‌دارند که بندگی را باید به عنوان هدف زندگی برگزینیم(ن ۲۲). ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/۵۶).

*امام صادق(ع)* در روایتی می‌فرماید که منظور معنای عام عبادت است نه خاص(حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۸۴/۱) [روشنگری روایت از ن ۲۱]، پس تنها معنای اصطلاحی عبادت(پرستش و نیایش) مراد نیست بلکه عبادت و بندگی در تمام زندگی قابل تحقق است؛ یعنی هر کاری که به خاطر انجام فرمان خدا و نزدیکی به او انجام گیرد عبادت است و شامل دوری از گناهان، کسب فضائل اخلاقی و تهذیب و مجاهده با نفس می‌شود. صدر/ گوید: «أَوْجَدَهُ اللَّهُ لِلْعِبَادَةِ كَمَا قَالَ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۱/ ۱۷۵) [روشنگری ن ۲۱ از ن ۱۶ و ۲۰] و [ارهنمایی ن ۲۲ به هدف و ن ۲۱ غایت] آنچنان که عقلاً باید از منعم تشکر و از خدا و رسولانش پیروی کرد، در پی فضایل بود و ظلم و ناسپاسی قبیح است [همسویی ن ۲۲ و ۳۸].

ب. بعضی آیات و روایات، غایت را نزول رحمت بر انسان می‌دانند(ن ۲۳) لذا هدف انسان باید کسب رحمت باشد(ن ۲۴): ﴿وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَا يَزَالُونَ مُخْتَلِفِينَ إِلَّا مَن رَّحِمَ رَبُّكَ وَلَذَلِكَ خَلَقَهُمْ﴾ (هود/ ۱۱۸ و ۱۱۹).

علامه طباطبایی، لام را تعلیل و ذلک را اشاره به رحمت می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۸۰ / ۱۱).

امام صادق (ع) نیز در روایتی همین معنی را تأیید می‌نمایند (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۳۱۰/۵) [روشنگری روایت از ن ۲۳]. صدر/ رحمت باری تعالی را داعی و منشأ آفرینش دانسته است (صدر، ۱۴۱۹ق: ۵ / ۱۹۵) [روشنگری ن ۲۳ از ن ۱۶ و ۲۰] و [رهنمایی ن ۲۳ به هدف و ن ۲۴ به غایت]. در بخش‌های بعدی آثار و مصادیق رحمت را خواهیم شمرد.

ج. غایت آفرینش انسان در بعضی آیات، علم و معرفت کامل به خدا دانسته شده (ن ۲۵) و از ما می‌خواهند که هدفمان در زندگی معرفت به خدا باشد (ن ۲۶): ﴿اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَنْزِلُ الْأَمْرُ إِلَيْهِنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾ (طلاق/ ۱۲)؛ ﴿فَاعْلَمُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ﴾ (محمد/ ۱۹)؛ ﴿وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ (بقره/ ۲۴۴).

همچنین حدیث قدسی کنز مخفی «كنت كنزا مخفيا فأحببت ان اعرف فخلقت الخلق لكي اعرف» را صدر/ (صدر، ۱۳۶۶ب: ۳ / ۳۷) نقل می‌نماید. از دید او غایتی که مقصود بالذات است همان معرفت الهیه و عروج به سوی حضرتش و مجاورت با مقربین در گاهش است و احوال و اعمال وسیله‌ای هستند برای رسیدن به آن و فقط به خاطر آن [معرفت] مراد واقع می‌شوند (همان: ۱ / ۱۴).

چنین معرفتی باعث می‌شود آدمی خلیفه خدا شده و اسماء و صفات خدا در او تجلی یابد (ن ۲۷). انی جاعل فی الارض خلیفه [رهنمایی ن ۲۵ به غایت و ن ۲۶ هدف]. [روشنگری ن ۲۵ از ن ۱۶ و ۲۰] [سازگاری آیات مذکور و روایت].

عقل: معرفت منعم واجب است و سعادت و کمال عبارت است از ادراک وجود حقیقی [همسویی ع ۲۴ و ۲۵ و ۳۱ و ۳۵ با ن ۲۵ و ۲۶ و ۲۷].

د. در بعضی آیات، آزمایش کردن انسان به عنوان غایت معرفی شده است (ن ۲۸). ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾ (هود/ ۷) و ﴿وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ﴾ (مائده/ ۴۸؛ انعام/ ۱۶۵؛ ملک/ ۲) [رهنمایی ن ۲۸ به غایت] و [روشنگری ن ۲۸ از ن ۱۶ و ۲۰] و [سازگاری دو آیه با هم].

## رابطه غایات

ممکن است ابتدا گمان کنیم آیات قرآن درباره هدف زندگی ناسازگارند اما اینگونه نیست بلکه بندگی باعث نزول رحمت شده (ن ۲۹) و این رحمت زمینه و بستری برای اشراق علم الهی می‌باشد (ن ۳۰). و هر کدام نیز مشکک بوده و متعاقب می‌باشند؛ آنچنان که می‌خوانیم: ﴿فوجد اعبداً من عبادنا آتیناه رحمة من عندنا و علمناه من لدنا علماً﴾ (کهف/ ۶۵) [سازگاری آیه با ن ۲۱ و ۲۳ و ۲۵]. امتحان عنوان جداگانه‌ای برای غایت نیست بلکه در بستر همان سه غایت محقق می‌گردد؛ تا شخص استکمال یابد [همورزی عاریتی نقل از عقل در ترتب غایات] [سازگاری ن ۲۱ و ۲۳ و ۲۵ و ۲۸ با هم].

اکنون ببینیم کسانی که چنین اهداف الهی را در زندگی داشته‌اند در واقع به چه چیزهایی رسیده‌اند.

## بررسی ویژگی‌های پاداش‌هایی که خدا عنایت می‌کند

گفته شد که با توجه به نقل خدای تعالی دارای اسماء حسنی و صفات کمالی است؛ آنچنان که پایدار و نامحدود و به بندگان قریب است. بخشی از جود، رحمت و فضل خدای تعالی از طریق نور، معنویت و آرامش محقق می‌گردد؛ این‌ها باعث شادی، خوشحالی، امید و دلگرمی فرد می‌شود؛ ظهور و صورت‌مندی آن نورها و معنویات، بهشت (ثواب اخروی) می‌باشد. اکنون این مورد را به طور مفصل بررسی می‌نماییم تا دسترسی، پایداری و نامحدودی آن‌ها برای مان روشن شود (ضمناً متذکر می‌شویم که آخرت از دنیا جدا نیست و شخص بر اساس میزان ادراک و فهمش، این ویژگی‌ها را در همین زندگی دنیوی به گونه‌ای ادراک کرده و می‌چشد).

## نعمت‌های معنوی خدا در دسترس انسان‌هاست

بهشت پاداش و نعمت خدا به فرمانبرداران است (ن ۳۱)؛ بهشتیان هرچه که بخواهند در اختیارشان است (ن ۳۲). صدر/ آیاتی را در این باب نقل می‌کند: ﴿... و لکم فیها ما تشتهی انفسکم و لکم فیها ما تدعون﴾ (فصلت/ ۳۱؛ زخرف/ ۷۱؛ سجده/ ۱۷) (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۵/ ۱۹۱). همان: ۸۴/۶ و ۱۰۲) [روشنگری درونی و سازگاری درونی نقل]. صدر/ در مورد انواع

نعمت‌های اخروی گوید: «لذت‌های نفس، درخت‌ها، رودها، خانه‌ها، حور و قصورها، پرندگان و سرانجام لقاء خدا که نعمت و لذت حقیقی است» (صدر، ۱۴۱۹ق: ۷/ ۱۹۱).

### نعمت‌های معنوی خدا پایدارند

بنا بر قرآن و روایات، بهشت و پاداش‌های الهی همیشگی هستند (ن ۳۳). صدر/ بعضی آیات و روایات را متذکر می‌شود: ﴿وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَزِينَتِهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ﴾ (قصص/ ۶۰). همچنین در سوره نحل/ ۹۶ (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۵/ ۲۲۹). ﴿وَرِزْقًا رِبَكًا خَيْرًا وَأَبْقَى﴾ (طه/ ۱۳۱) (صدر، ۱۴۱۹ق: ۹/ ۲۲۲). ﴿لَا يَمَسُّهُمُ فِيهَا نَصَبٌ وَمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِينَ﴾ (حجر/ ۴۸) و همچنین سوره هود/ ۱۰۸. (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۳/ ۸۲ و ۸۳). او از قول محمد بن علی بن بابویه گوید: مرگ و پیری در بهشت نیست. بیماری، آفت، نابودی، اندوه، نیاز در آن نیست. «که در آنجا به ما خستگی نرسد، و در آنجا به ما ماندگی نرسد» (فاطر/ ۳۵) (صدر، ۱۳۸۵: ۲۰۸). به عقیده صدر/ نعمت حقیقی اینگونه است به خاطر همین رسول خدا (ص) فرمود: زندگی نیست مگر در آخرت (همو، ۱۳۶۶ الف: ۳/ ۱۷۷. ۲۳۲/ ۷) [سازگاری آیات مذکور] [روشنگری روایت از ن ۳۳] [رهنمایی ن ۳۳ به هدف].

### توبه، ضمانت برای پایداری

و اوست که توبه بندگان را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و می‌داند که چه می‌کنید (شوری ۲۵). توبه برای تبدیل بدبختی به خوشبختی و حفظ سعادت به دست آمده ضروری است، توبه وسیله‌ای به سوی سعادت ابدی است (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۳/ ۱۴۰) و هر توبه‌ای، اگر شرائطش جمع گردد، حتماً پذیرفته است (همان: ۱۴۲)، پس امیدی برای حفظ دستاوردها وجود دارد و این از جمله تضمین‌هاست.

### نعمت‌های معنوی خدا نامحدودند

بهشت و نعمت‌های معنوی خدا نامحدودند (ن ۳۴). بنا بر قرآن و روایات بهشت برای متقین واقعی، نامحدود است. ﴿سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا عَرْضُ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ

اعَدَّتْ لِلَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ... ﴿(حدید/ ۲۱؛ آل عمران/ ۳۳). ﴿فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُمْ مِنْ غَزْوَةٍ أَعْيُنَ جَزَاءٍ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (سجده/ ۱۷). به عقیده صدر/ تجلیات باعث ظهور صفات می‌گردد. این تجلیات نامتناهی هستند؛ زیرا فرموده: ﴿كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ﴾ (رحمان/ ۲۹) و درجات آخرت بزرگ‌تر و برتر است (اسرا/ ۲۱) (صدر، ۱۴۱۹ق: ۱۷۵/۹).

همچنین در روایات آمده است که نعمت‌های خدا نامتناهی است. لا منتهی لنعمتک (ابن طاووس، ۱۴۱۱ق: ۲۳۶) [روشنگری روایت از ۳۴] سازگاری آیات و روایت مذکور].

با این تفصیلات کسی در بهشت احساس دلزدگی و کهنگی نخواهد کرد. بندگان خوب خدا هرچند که گاهی از دنیا فی نفسه خسته و دلزده می‌شوند اما از زندگی درونی خویش هیچ گاه دلزده و خسته نمی‌شوند؛ چراکه لحظه به لحظه با یاد خدا مأنوس بوده و از تجلیات تازه الهی لذت می‌برند.

### آثار و فوائد نزول رحمت خدا به انسان

گفته شد که بنا بر بعضی آیات و روایات، هدف از آفرینش انسان نزول رحمت بر اوست که آن هم مسبب از تحقق بندگی است. برخی انسان‌ها هدف زندگی خویش را آرامش درونی و یا دستیابی به بهشت و نعمت‌های اخروی می‌دانند؛ این‌ها از مصادیق یا آثار و فوائد رحمت الهی می‌باشند، لذا لازم است که فوائد و آثار رحمت را بررسی نماییم.

### افزایش ظرفیت و گنجایش قلب انسانی

گسترده‌گی وجودی و افزایش ظرفیت معنوی از آثار بندگی خداست (ن ۳۵)؛ بنا بر کلام مولا علی (ع) قلب‌ها، ظرف‌ها هستند. بهترینشان، گسترده‌ترینشان است (سید رضی، بی تا: ۱۴۷).

تا این گنجایش و آمادگی نباشد، بستر مناسبی برای علوم و معارف الهی فراهم نشده. به عقیده صدر/ اگر فضل، رحمت و هدایت خدای تعالی نبود، به این شناخت کم از نعمت و حکمتش دست نمی‌یافتیم (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۵/ ۳۲۵).

## آرامش و طمأنیه

آرامش از لوازم و یا مصادیق رحمت می‌باشد (ن ۳۶). گرایش به آرامش نیز فطری انسان‌هاست. بعضی معتقدند که خواسته نهایی انسان، آرامش است زیرا انسان هر کاری که انجام دهد برای آرامش، رضایت خاطر و حسن عاقبت خویش انجام می‌دهد حتی عبودیت و احسان و کارهایی از این قبیل به نوعی به خودش برمی‌گردد.

در بررسی دیدگاه صدر/ شبیه این مطلب را از ایشان مشاهده می‌نماییم. به نظر او غایت در حقیقت دائماً به فاعل برمی‌گردد (صدر، ۱۳۸۲: ۲/ ۲۸۳)؛ که به طریق استکمال است (صدر، ۱۴۱۹ق: ۲/ ۲۷۱) [رهنمایی عقل به غایت و هدف] پس باید کسب رحمت را هدف خویش قرار دهد [همورزی تلفیقی عقل و ن ۳۶].

اینک اسباب آرامش را برمی‌شماریم:

### الف. بندگی

با توجه به اینکه آرامش یا خود رحمت است یا از آثار آن، می‌توان گفت بندگی سبب آرامش خواهد شد (ن ۳۷)؛ زیرا بندگی (مثلاً ذکر خدا) سبب رحمت است.

﴿ان الذين قالوا ربنا الله ثم استقاموا تنزل عليهم الملائكة الا تخافوا ولا تحزنوا وابشروا بالجنة التي كنتم توعدون نحن اولياؤكم في الحياة الدنيا وفي الآخرة ولكم فيها ما تشتهي أنفسكم ولكم فيها ما تدعون نزلا من غفور رحيم﴾ (فصلت/ ۳۰).

﴿ان الذين آمنوا و عملوا الصالحات و اقاموا الصلاة و آتوا الزكاة لهم اجرهم عند ربهم و لا خوف عليهم و لا هم يحزنون﴾ (بقره/ ۲۷۷) و ﴿الذين آمنوا و تطمئن قلوبهم بذكر الله الا بذكر الله تطمئن القلوب﴾ (رعد/ ۲۸) [روشنگری درونی].

[سازگاری آیات مذکور] [روشنگری آیات از ن ۳۷]

همچنین با توجه به روایات منقول از معصومین (ع) عواملی همچون قناعت و تقوی (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/ ۱۷) و تفویض و سپردن امور به خدا (بحرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۸۴) تعلیم و دانش اندوزی (کراجگی، ۱۴۱۰ق: ۱/ ۱۰۸) و بی‌آزار بودن (کلینی، ۱۳۶۵: ۱/ ۲۰) و تهجد آخر شب، دیدار برادران و افطاری دادن (حر عاملی، ۱۴۰۹ق: ۲۲/ ۱۲) و طولانی کردن قنوت (مجلسی، ۱۴۰۴ق: ۷/ ۳۰۲) و خواب و سکوت (صدوق، ۱۴۱۳ق: ۴/ ۴۰۲ و نوری، ۱۴۰۸ق: ۹/ ۲۰). باعث آرامش و راحتی می‌گردد و از سوی دیگر بخل و خساست



(صدوق، ۱۴۱۳ق: ۴/۳۹۴) و حسادت(نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲/۱۷) باعث عدم آرامش می‌شوند. [روشنگری روایات مذکور از ن ۳۷] و [سازگاری آیات و روایات مذکور]، همچنین این روایات نیز ما را به سمت انتخاب هدف(رحمت و آرامش) دلالت کردند [رهنمایی نقل به هدف].

نکته‌ای که اکنون می‌بایست متذکر شویم اینکه آرامش مطلق و خالص در این دنیا به دست نخواهد آمد چراکه اینجا عالم ماده، تزاحم، تضایق است پس آرامش حقیقی در زندگی اخروی است.

### ب. پشتیبانی و تکیه بر خدا

تقوا باعث می‌شود، خداوند(که آن همه صفات را دارد)، یار و همراه انسان شود و ﴿اعلموا ان الله مع المتقين﴾ (بقره/ ۱۲۳) وقتی انسان این را بداند، آرامش خواهد یافت(ن ۳۸)؛ آنچنان که رسول خدا(ص) فرمودند: مؤمن جز در لقاء خدا راحتی ندارد (نوری، ۱۴۰۸ق: ۱۲/۶۴) [روشنگری درونی و سازگاری درونی نقل].

### ج. امید به سرنوشت نیک

اگر امید داشته باشیم که عاقبتمان خوب خواهد بود، تا حدی آرامش خواهیم داشت؛ چراکه غفلت باعث اضطراب و دلتنگی می‌گردد؛ ﴿ومن أعرض عن ذكری فإن له معیشة ضنکا ونحشرة یوم القیامة اعمی﴾ (طه/ ۱۲۴).

صدرا/ پس از نقل آیاتی از قرآن ﴿وما جعله الله الا بشری لکم ولتطمئن قلوبکم به وما النصر الا من عند الله العزیز الحکیم﴾ (آل عمران/ ۱۲۶). ﴿الا ان اولیاء الله لا خوف علیهم ولا هم یحزنون﴾ الذین آمنوا وکانوا یتقون ﴿لهم البشری فی الحیاة الدنیا و فی الآخرة لا تبدل لکلمات الله ذلک هو الفوز العظیم﴾ (یونس/ ۶۲-۶۴) گوید: آنان در زندگانی دنیا [رؤیاهای] بشارت‌بخش دارند؛ و در آخرت هم [بهشت دارند]؛ وعده‌های الهی خلف و خلاف ندارد؛ این همان رستگاری بزرگ است(همو، ۱۳۶۶ الف: ۲/ ۲۳۸). و سرانجام پرهیزکاران، نیک است. ﴿والعاقبة للمتقین﴾ (اعراف/ ۱۲۸) (صدرا، ۱۴۱۹ق: ۹/ ۳۰۵). /میرالمؤمنین علی(ع) در مورد صفات متقین می‌فرماید: راحتی طولانی به دنبال آن‌هاست(سید رضی، بی‌تا: ۳۰۳). در بین آیات مربوط به عاقبت نیک، سازگاری را مشاهده نمودیم [سازگاری درونی و روشنگری در نقل].

## بهشت

از نظر صدر/ بهشت نیز تعبیری از رحمت خداست که پاداش بندگان است (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۵ / ۱۹۱)؛ همچنین در تفسیر در آیه ﴿اماالذین آمنوا و عملوا الصالحات فلهم جنات المأوی نزلابما كانوا يعملون﴾ (سجده/۱۹) گوید: «جنات المأوی» انواعی از بهشت است هر مرتبه‌ای از بهشت غایت گروهی از مردم است که بر اساس ایمان و عمل صالح خویش بدان‌ها می‌رسند (صدر، ۱۳۶۶ الف: ۶ / ۱۴۱).

همچنین آیات زیر را آورده‌اند:

﴿... فالذین آمنوا منکم و أنفقوا لهم أجر کبیر﴾ (حدید/ ۷)

﴿الذین یقیمون الصلاة و م ما رزقناهم ینفقون﴾ اولئک هم المؤمنون حقاً لهم درجات عند ربهم و مغفرة و رزق کبیر...﴾ (انفال/ ۲ تا ۴) (همو، ۱۳۶۶ الف: ۶ / ۱۷۷).

در بین آیات مربوط به بهشت، سازگاری و روشنگری را مشاهده نمودیم [سازگاری و روشنگری آیات مذکور با هم]

## نتیجه بحث

با توجه به این پژوهش، نتایج زیر به دست آمد:

ملا صدر/ حقیقت را ذو مراتب و دانش بشر را در رسیدن به مراتب مختلف آن، دارای سطوح مختلف می‌داند. در باب چگونگی کاربست عقل و نقل در حکمت متعالیه می‌توان گفت هر دو لازم‌اند، اما هیچ کدام به تنهایی کافی نیستند. عقل و نقل باهم مطابق‌اند و مخالف هم نیستند اما بعضی معارف قرآنی، ماوراء عقل هستند؛ نقل (شهود نبوی و وحی)، مطمئن‌ترین و متقن‌ترین شیوه کسب معرفت است.

با عقل بدین نتیجه رسیدیم که غایت جهان و انسان خداست و باید معرفت عمیق و گسترده نسبت به خدا را هدف خویش در زندگی قرار دهیم. عقل ما را به سوی قرآن و سنت راهنمایی نمود. همچنین حکم کرد که باید هدف زندگی‌مان را بر اساس فرمان خدا و داده‌های دینی انتخاب نموده و زندگی را در راستای آن قرار داده و برنله ریزی نماییم. با رجوع به قرآن و روایات، غایت و هدف زندگی خویش را در آن‌ها یافتیم (که عبارت بود از معرفت و محبت عمیق به خدای تعالی و رسیدن به مقام خلیفة اللہی) و دریافتیم

که دین ما را به خردورزی سفارش کرده و خواسته‌های دینی، پاسخگوی نیازهای فطری و هشدارهای عقلی است و ما را به آرامش واقعی و سعادت می‌رساند. با تجزیه و تحلیل داده‌ها و بررسی مؤلفه‌های هماهنگی (سازگاری درونی، همسویی، روشنگری، رهنمایی به غایت، رهنمایی به هدف، همورزی عاریتی و همورزی تلفیقی)، مطابقت نقل را با عقل مشاهده نمودیم و روشن شد که چگونه عقل و قرآن و سنت با یکدیگر هماهنگ‌اند و سیستم معرفتی در اسلام از انسجام بالایی برخوردار است.



## کتابنامه

### قرآن کریم.

- ابن طاووس، علی بن موسی. ۱۴۱۱ق، **منهج الدعوات**، قم: انتشارات دار الذخائر.
- بحرانی، حسن بن شعبه. ۱۴۰۴ق، **تحف العقول**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۷۵ش، **رحیق مختوم (شرح حکمت متعالیه)**، قم: نشر اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. ۱۴۰۹ق، **وسائل الشیعه**، قم: مؤسسه آل بیت.
- دهخدا، علی اکبر. ۱۳۷۳ش، **لغتنامه دهخدا**، زیر نظر دکتر محمد معین و دکتر سید جعفر شهیدی، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- سید رضی، محمد بن حسین. بی تا، **نهج البلاغه (خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌های امیرالمؤمنین)**، قم: انتشارات دار الهجره.
- شیخ طوسی، محمد بن حسن. ۱۴۱۱ق، **مصباح المتهجد**، بیروت: مؤسسه فقه الشیعه.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. ۱۳۱۳ش، **شرح الهدایة الاثریة**، چاپ سنگی، بی جا: بی نا.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۶ش (الف)، **تفسیر القرآن الکریم**، چاپ دوم، قم: انتشارات بیدار.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. ۱۳۶۶ش (ب)، **شرح اصول کافی**، ترجمه و تعلیق محمد خواجه‌سوی، چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. ۱۳۸۲ش، **تعلیقه و شرح بر الهیات شفا**، تصحیح دکتر نجفعلی حبیبی به اشراف استاد سید محمد خامنه‌ای، چاپ اول، تهران: انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. ۱۴۱۹ق، **الحکمة المتعالیة فی الأسفار الأربعة (مشهور به اسفار)**، چاپ پنجم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم. بی تا، **المبدأ والمعاد**، قم: دار الکتب اسلامیة.
- صدوق، محمد بن علی. ۱۴۱۳ق، **من لا یحضره الفقیه**، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۳۶۳ش، **المیزان فی تفسیر القرآن**، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- فرامرزی قراملکی، احد. ۱۳۸۰ش، **روش شناسی مطالعات دینی**، چاپ اول، مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فعالی، محمدتقی. ۱۳۷۹ش، **درآمدی بر معرفت‌شناسی معاصر و دینی**، چاپ دوم، قم: انتشارات معارف.
- کراجگی، ابوالفتح. ۱۴۱۰ق، **کنز الفوائد**، قم: انتشارات دار الذخائر.

کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۳۶۵ش، **الکافی**، هشت جلد، تهران: دار الکتب اسلامیة.  
مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴ق، **بحار الأنوار**، بیروت: مؤسسه الوفا.  
مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۷۲ش، **آموزش فلسفه**، جلد دو، چاپ پنجم، تهران: مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی.  
نوری، حسین بن محمد تقی. ۱۴۰۸ق، **مستدرک الوسائل**، قم: مؤسسه آل بیت.

### مقالات

اشتیاقی راد، نسرین. ۱۳۹۸ش، «**مفهوم حکیم و تأثیر آن در زندگی با بهره‌گیری از آیات و روایات**»، فصلنامه مطالعات قرآنی، ش ۳۷، صص ۲۲۹-۲۵۳.  
فارسی نژاد، علیرضا. ۱۳۹۵ش، «**هدف‌داری آفرینش از منظر قرآن کریم و حکمت متعالیه**»، عقل و دین، ش ۱۵، صص ۹۱-۱۲۰.

### Bibliography

Ibn Tawus, Ali ibn Musa. 1411 AH, Monhaj Al-Davat, Qom: Dar Al-Zakhaer Publications.  
Bahrani, Hassan bin Shoba. 1404 AH, Tahf al-Aqool, Qom: Teachers Association Publications.  
Javadi Amoli, Abdullah 1996, Rahiq Makhtoum (Explanation of the Transcendent Wisdom), Qom: Asra Publishing.  
Horr Amoli, Muhammad bin Hassan. 1409 AH, Vasaal Al-Shiya, Qom: Al-Bayt Institute.  
Dekhoda, Ali Akbar. 1994, Dekhoda Dictionary, under the supervision of Dr. Mohammad Moin and Dr. Seyed Jafar Shahidi, Tehran: Institute of Publishing and Printing, University of Tehran.  
Seyed Razi, Mohammad ibn Husayn. Bi Ta, Nahj al-Balaghah (sermons, letters and wisdom of the Amir al-Mu'minin), Qom: Dar al-Hijra Publications.  
Sheikh Tusi, Muhammad bin Hassan. 1411 AH, Mesbah Al-Mothajed, Beirut: Institute of Shiite Jurisprudence.  
Sadr al-Muta'allahin, Muhammad ibn Ibrahim. 1334, Sharh Al-Hodaya Al-Asiriya, Lithography, Bija: Bina.  
Sadr al-Muta'allahin, Muhammad ibn Ibrahim. 1987 (a), Tafsir al-Quran al-Karim, second edition, Qom: Bidar Publications.  
Sadr al-Muta'allahin, Muhammad ibn Ibrahim. 1987, Description of Sufficient Principles, translated and suspended by Mohammad Khajavi, first edition, Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.  
Sadr al-Muta'allahin, Muhammad ibn Ibrahim. 2003, Commentary and explanation on the theology of healing, edited by Dr. Najafali Habibi under the auspices of Professor Seyed Mohammad Khamenei, first edition, Tehran: Sadra Islamic Wisdom Foundation Publications.

- Sadr al-Muta'allahin, Muhammad ibn Ibrahim. 1419 AH, The Transcendent Wisdom in the Four Asfars (known as Asfar), Fifth Edition, Beirut: Dar Al-Ahya Al-Taras Al-Arabi.
- Sadr al-Muta'allahin, Muhammad ibn Ibrahim. No date, Al-Mabda Va Al-Ma'ad, Qom: Islamic Bookstore.
- Saduq, Muhammad ibn Ali 1413 AH, Man La Yahzarah Al-Faghih, Qom: Publications of the Society of Teachers.
- Tabatabai, Mohammad Hussein 1984, Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani Qom: Islamic Publications Office.
- Faramarz Gharamaleki, Ahad. 2001, Methodology of Religious Studies, First Edition, Mashhad: Razavi University of Islamic Sciences.
- Faali, Mohammad Taqi 2000, An Introduction to Contemporary and Religious Epistemology, Second Edition, Qom: Maaref Publications.
- Karajagi, Abolfath. 1410 AH, Kenz Al-Favaed, Qom: Dar Al-Zakhaer Publications.
- Kelini, Muhammad ibn Ya'qub. 1986, Al-Kafi, eight volumes, Tehran: Islamic Bookstore.
- Majlesi, Mohammad Baqir 1404 AH, Bahar Al-Anvar, Beirut: Al-Wafa Foundation.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taqi 1993, Philosophy Education, Volume Two, Fifth Edition, Tehran: Islamic Propaganda Organization Publishing Center.
- Nouri, Hussein bin Muhammad Taqi 1408 AH, Mustadrak al-Wasael, Qom: Al-Bayt Institute.

#### Articles

- Eshtiaghi Rad, Nasrin. 2019, "The concept of the wise and its impact on life using verses and hadiths", Quarterly Journal of Quranic Studies, vol. 37, pp. 229-253.
- Farsinejad, Alireza. 2016, "Purposefulness of Creation from the Perspective of the Holy Quran and Transcendent Wisdom", Reason and Religion, Vol. 15, pp. 91-120.

## **The Application of Qur'an and Reason Regarding the Ultimate Goal of Life from the Perspective of Transcendent Wisdom**

### **Ayub Mobasheri**

Faculty member (instructor), Sarvestan branch, Islamic Azad University, Iran

### **Mohammad Reza Zamiri**

Faculty member of Payame Noor University, Qom Branch, Associate Professor of Payame Noor University

### **Mohammad Sadegh Jamshidi Rad**

Faculty member of Payame Noor University, South Tehran Branch

### **Hassan Mehdi Far**

Faculty member of Payame Noor University, Naghadeh Branch

### **Abstract**

Understanding the ultimate goal and desire in life is very important in meaning and lifestyle. Rational arguments, Qur'an and intuition can be used to understand the best ultimate goal for life. The research method was descriptive-analytical in the library resources that we examined one of the rational arguments that had a psychological nature and we used Quranic propositions as a complement and confirmation; Thus, according to Sadra's philosophical foundations, we concluded that the world is the theology and God Almighty is both the origin of beginnings and the end of goals; If our ultimate goal (s) in life is not nearness to God and deep knowledge of God, but only material desires, we will inevitably face at least three basic problems in worldly life: feelings of failure and deprivation, feelings of insecurity, and feelings of boredom. So we must have a demand that is available, sustainable, immortal and unlimited.

**Keywords:** Ultimate goal of life Quran Reason Mulla Sadra.